



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چند مطلب در بحثمان وجود دارد ؛ مطلب اول این است که آیا در اکراه فرقی بین افراد طولیه و عرضیه وجود دارد یا نه ؟ شیخ انصاری(ره) این بحث را در مکاسب مطرح نکرده ولی بعضی از شراح و محشین من جمله امام(ره) به این بحث پرداخته اند .

خوب حالا ما این بحث را از واجبات شروع می کنیم ، ما یک واجب موقت داریم و یک واجب غیر موقت ، واجب موقت آن است که در اسلام برای انجام آن وقت معین شده ، که گاهی وقت انجام آن به اندازه ی همان فعل است که به آن واجب موقت مضیق می گویند مثل ماه مبارک رمضان برای روزه گرفتن و گاهی وقت انجام آن موسع است که به آن واجب موقت مضیق می گویند مثل نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء ، البته در مقابل واجب فوری نیز داریم که وقت ندارد بلکه فوراً فوراً باید انجام شود مثل نماز آیات و حج .

خوب و اما واجب موقت موسع دو جور افراد دارد ؛ طولیه و عرضیه ، وقتی نماز ظهر واجب

شد می تواند آن را در خانه و یا در مسجد و یا در حمام و یا در جای دیگری بخواند که با خواندن آن در هر کدام از آنها کلی محقق می شود منتهی از نظر فضیلت با هم فرق دارند این می شود افراد عرضیه و سپس می تواند نمازش را در اول وقت و یا در وسط و یا در آخر وقت بخواند که این می شود افراد طولیه .

خوب و اما با توجه به مقدمه ای که عرض شد در بحث اکراه این مسئله ( افراد طولیه و عرضیه ) مطرح شده ، آنچه که ما تا به حالا خواندیم و بحث کردیم مربوط به افراد عرضیه بود مثلاً اکراه شده به اینکه شراب بخورد و یا زنا کند و یا اکراه شده به اینکه بیع انجام دهد و یا صلح کند که ما دیروز هفت قسم برای آن ذکر کردیم که همگی از افراد عرضیه می باشند .

اما افراد طولیه که امروز از آن بحث می کنیم به این ترتیب است که مثلاً مکره بگوید خانه ات را یا در روز جمعه بفروش و یا در روز شنبه و یا مثلاً بگوید از ظهر تا غروب امروز یا باید شراب بخوری و یا باید زنا کنی که اینها می شود افراد طولیه ، حالا بحثمان در این است که آیا در اکراه بین افراد طولیه و عرضیه فرقی وجود دارد یا نه ؟ و آیا احکامی که برای افراد عرضیه ذکر کردیم برای افراد طولیه نیز جاری می شود یا نه ؟ .

در اینجا سه نظریه وجود دارد :

اول : حضرت امام (ره) می فرماید وقتی شخصی مُکْرَه هست و امیدی هم به رفع اکراه تا آخر وقت ندارد در این صورت عرفاً فرقی بین اول وقت و آخر وقت وجود ندارد و در کلّ زمان مُکْرَه می باشد مثل اینکه اکراه شده که از ظهر تا شب یا شراب بخورد و یا زنا کند .

دوم : آیت الله خوئی می فرماید بین اول و آخر وقت فرق وجود دارد زیرا شخص در اول و یا وسط وقت می تواند فعل را ترک کند و مثلاً شراب نخورد و به تأخیر بیندازد ولی در آخر وقت مضطر و مُکْرَه می شود و دیگر نمی توند ترک کند لذا رفع اکراه و اضطرارش به همان آخر وقت می باشد .

سوم : محقق نائینی بین تکالیف و معاملات تفصیل قائل شده و در تکالیف مثل آیت الله خوئی فرموده فقط در آخر وقت مُکْرَه می شود ولی در معاملات در کلّ وقت مُکْرَه است و هر زمانی معامله را انجام دهد صحیح نخواهد بود ، این سه قول در مسئله بود که به عرضتان رسید البته هر سه در کبری متفق هستند ولی در صغری از نظر تشخیص مصداق اکراه با هم تفاوت دارند . خوب و اما آدرس سه نظریه ای که عرض شد بدین شرح می باشد :

امام رضوان الله علیه در ص ۱۰۰ از جلد ۲ کتاب بیعشان و آیت الله خوئی در ص ۵۸۹ از جلد ۲ مصباح الفقاهة و محقق نائینی در ص ۴۰۹ از جلد منیة الطالب این بحث را مطرح کرده اند و بحث نیز به این برمی گردد که آیا در صدق اکراه در کلّی که دارای افراد طولیه است تمام آن افراد مشمول حکم اکراه و مصداق { ماأکرها علیه } هستند یا اینکه فقط آن فرد آخر مصداق { ماأکرها علیه } می باشد ؟ که این بستگی به اجتهاد شما دارد که اجتهاداً کدامیک از اقوال سه گانه مذکور را انتخاب کنید .

بقیه بحث بماند برای روز شنبه إن شاء الله تعالی  
... .

والحمد لله رب العالمین و صلی علی  
محمد آله الطاهیرین